

تاریخچه دانشکده مهندسی دانشگاه شهید چمران اهواز



بیش از سه دهه از تاسیس دانشکده مهندسی دانشگاه شهید چمران اهواز می گذرد و از آن زمان تا کنون با تلاش و همت افرادی که از تمام توان مایه گذاردند، مسیری پرفراز و نشیب طی شده است و بذر اولیه این دانشکده، اکنون مبدل به درخت پربراری گشته که به آن می بالیم. در تاریخچه پیشرو، مروری بر چگونگی تاسیس دانشکده، اثرات جنگ تحمیلی و تلاش‌های انجام شده برای احیای دانشکده در زمان جنگ تا پویایی کنونی آن صورت گرفته است که حاصل صحبت با دو استاد گرانقدر، آقای دکتر بیژن میرعمادی استاد فیزیک دانشگاه جندی شاپور سابق و موسس دانشکده مهندسی و آقای دکتر خسرو نادران طحان دانشیار گروه مهندسی مکانیک دانشگاه شهید چمران می باشد که مرور خاطرات گذشته ایشان در تجسم گذشته دانشکده مهندسی بسیار یاری رسان است.

لازم به ذکر است آقای دکتر میرعمادی لیسانس و فوق لیسانس خود را در رشته فیزیک از دانشگاه آلبرتا^۱ کانادا و دو مدرک دکترای خود را در گرایش برهمکنش های اتمی از دانشگاه ویندسور^۲ کانادا و نیز در گرایش نظارت بر راکتورهای هسته ای از مدرسه تکنولوژی راکتور اوک ریج^۳ در تنسی آمریکا دریافت نمود. وی موسس گروه فیزیک و نیز دانشکده مهندسی در دانشگاه جندی شاپور اهواز بوده و در سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۸ فعالیت های بسیار موثری در این دانشگاه داشته اند. ایشان در حال حاضر استاد بازنشسته و ساکن کانادا می باشند. آقای دکتر خسرو نادران طحان نیز از جمله باسابقه ترین اساتید دانشکده مهندسی هستند که پس از انقلاب اسلامی تا کنون مسئولیت های مهمی از جمله سرپرست شاخه شمالی دانشگاه شهید چمران اهواز (۱۳۶۰-۱۳۵۹)، معاونت آموزشی دانشگاه شهید چمران اهواز (۱۳۶۲-۱۳۶۰)، مدیریت گروه مکانیک دانشکده مهندسی (۱۳۶۵-۱۳۶۳) و ریاست دانشگاه شهید چمران اهواز (۱۳۷۲-۱۳۶۹) را عهده دار بوده اند.

¹ University of Alberta

² University of Windsor

³ Oak Ridge School of Reactor Technology

آقای دکتر میرعمادی در پاسخ به پرسشی در ارتباط با زمان و چگونگی تاسیس دانشکده مهندسی و اولین اعضای هیات علمی آن اینگونه پاسخ دادند:

در ابتدا پیش از پاسخ به این پرسش باید به این نکته اشاره کنم که دانشکده مهندسی عملاً پس از انقلاب فرهنگی و بازگشایی مجدد دانشگاه ها شروع به فعالیت کرد که قطعاً این آغاز حاصل تلاش اعضای هیات علمی ارزشمند آن دانشکده بوده است. البته کار من و چند نفر دیگر از همکارانم در زمینه تاسیس دانشکده مهندسی در سال ۱۳۵۵ آغاز شد ولی در آن زمان ما تنها بذر اولیه برای تاسیس دانشکده مهندسی را کاشته بودیم که پس از مدتی نیز به دلیل شرایط آن زمان مجبور به ترک آنجا شدیم. هرچند در این سن به یاد آوردن خاطرات آن روزها بعد از گذشت ۳۷ سال، برای من که در آن زمان ۳۷ سال سن داشتم، بسیار مشکل است اما تلاش می کنم تا خاطراتم را از آن زمان به یاد آورم.

در سال ۱۳۵۰ آقای دکتر عباس جامی، ریاست دانشگاه جندی شاپور اهواز، من را به عنوان یک فیزیکدان تجربی (اتمی، هسته‌ای، حالت جامد) که فارغ التحصیل دکترا از کانادا بودم، استخدام نمود تا در گروه فیزیک دانشکده علوم، برنامه آموزشی جدیدی را ارائه دهم و با استخدام اعضای هیات علمی جدید، به توسعه و ساماندهی آن گروه بپردازم. پیش از آن تنها دو عضو هیات علمی با مدرک فوق لیسانس در گروه فیزیک فعالیت داشتند و بقیه اساتید اصطلاحاً اساتید پروازی بودند که تنها در زمانی که درسی را ارائه می کردند، در گروه حضور داشتند و پس از اتمام جلسه درس به شهر خود باز می‌گشتند. در مدت زمان یکسال و نیم، ما ۱۰ عضو هیات علمی جوان را که عمدتاً فارغ التحصیلان کانادا، آمریکا و اروپا بودند، استخدام کردیم که با وجود چنین اساتید جوان و پرانرژی، گروه فیزیک کاملاً متحول شد. به عنوان یک استاد و نیز یک مدیر، فعالیت من تنها محدود به گروه فیزیک نبود و توسعه دیگر گروه های دانشکده علوم نیز مدنظر بود. در سالهای بعد، مسئولیت توسعه انستیتوها و دانشکده های دیگر در دانشگاه نیز به من محول شد.

در آن زمان دکتر جامی با نفوذی که در وزارت علوم داشت و نیز داشتن ایده های جدید و استفاده از تکنولوژی های نو، به طور پیوسته دانشگاه را در مسیر توسعه قرار می داد. او معتقد بود برای رشد و توسعه یک جامعه علمی، باید هر تعداد شاخه مختلف آموزشی که امکان پذیر است، تاسیس شود و اجازه دهیم تا آنها به مرور رشد و توسعه یابند. در آن زمان ساخت و تجهیز مرکز صوتی و تصویری و نیز مرکز تکنولوژی آموزشی دانشگاه را طی یکسال انجام دادیم.

در آن زمان هر عضو هیات علمی دانشگاه هر سه سال یکبار می توانست برای یک دوره فرصت مطالعاتی یکساله به منظور ارتقای سطح علمی خود، به دانشگاهی دیگر برود. با توجه به آنکه در آن زمان تحقیقات علمی در دانشگاه وجود نداشت، دلتنگی خاصی برای انجام کار تحقیقاتی تجربی در سطح دانش روز جهان در من ایجاد شده بود. در سال ۱۳۵۳ از دکتر جامی درخواست یک فرصت مطالعاتی را نمودم اما ایشان با اشاره به پروژه هایی که هنوز تکمیل نکرده بودیم، با فرصت مطالعاتی من مخالفت کردند. اما در سال ۱۳۵۴ من به ایشان گفتم حتی اگر موافقت ننمایید من بازهم به فرصت مطالعاتی خواهیم رفت و به همین دلیل ایشان چاره ای جز پذیرش درخواست من نداشتند. در نهایت من یک سال را در دانشکده مهندسی دانشگاه اگزتر^۴ در دون^۵ انگلستان به تحقیق راجع به نوارهای پلیمری و شبه رساناها در ادوات الکترونیکی پرداختم. در اواخر سال ۱۹۷۶ میلادی (سال ۱۳۵۴ شمسی) دکتر جامی با من تماس گرفتند و گفتند قصد دارند به لندن بیایند و مایلند که آخر هفته من را در هتل محل اقامتش ملاقات کنند. فاصله لندن تا اگزتر با قطار حدود یک ساعت بود. دکتر جامی در این ملاقات در مورد تاسیس دانشکده مهندسی صحبت کردند و راجع نقاط مثبت و منفی طرحشان بحث کردیم.

⁴ University of Exeter

⁵ Devon

در نهایت قرار شد در ژورنالهای دانشگاهی و روزنامه‌ها اطلاعیه‌ای درج شود تا افراد متقاضی، رزومه خود را برای ما ارسال کنند و زمان و مکان مصاحبه نیز اواخر فوریه سال ۱۹۷۷ بود. در زمان برگزاری مصاحبه، دکتر جامعی به لندن بازگشت و به همراه من و دکتر پاتریک موریس از دانشکده مهندسی دانشگاه آکزتر، تیمی سه نفره تشکیل دادیم که از ۹ صبح تا ۴ بعدازظهر با افراد متقاضی که از نقاط مختلف اروپا آمده بودند، مصاحبه می‌کردیم. روز بعد، با در نظر گرفتن رزومه علمی و تجربه و توانایی افراد مصاحبه شونده، دو استاد با مدرک دکترا را برای کمک در تاسیس دانشکده مهندسی انتخاب کردیم تا از سپتامبر ۱۹۷۷ کار خود را در اهواز آغاز نمایند. پس از پایان فرصت مطالعاتی و برگشت من به اهواز در آگست ۱۹۷۷، دکتر جامعی، دکتر فرهمند را نیز که فردی جوان و دارای مدرک دکترای مهندسی مکانیک از دانشگاه تگزاس آمریکا بود، استخدام کرده بود.

من به همراه دکتر فرهمند و نیز دکتر استیونسون و دکتر خان که از لندن آمده بودند، کار آماده سازی دانشکده مهندسی را آغاز نمودیم. در ابتدا به مطالعه برنامه آموزشی مهندسی‌های دانشگاه‌های کانادا، آمریکا، انگلیس و نیز دانشگاه‌های تهران و شیراز پرداختیم تا برنامه آموزشی مناسبی را تدوین نماییم. در جلسات هفتگی با دکتر جامعی، تصمیم گرفته شد ۴ گروه مهندسی مکانیک و متالورژی، مهندسی عمران، مهندسی برق و مهندسی شیمی تاسیس شود و هر یک از گروه‌ها ۲۰ دانشجو را از طریق کنکور سراسری در سال ۱۳۵۸ پذیرش نماید. برنامه درسی طراحی شده نیز به این صورت بود که در سال اول دروس مشترک ۴ گروه از جمله ریاضیات پایه، فیزیک، شیمی، علوم کامپیوتر و نقشه کشی ارائه شود و از سال دوم به دانشجویان هر گروه به طور مجزا دروس مربوطه آموزش داده شود. همچنین تجهیزات مدرن آزمایشگاهی که برای دروس آزمایشگاهی دانشجویان در سال اول نیاز بود، نیز خریداری شده بود. در این زمان ساختمان مجزایی برای دانشکده مهندسی وجود نداشت و دفتر همکاران نیز در جاهای مختلفی قرار داشت. من در ساختمان دانشکده علوم بوم و یکی از ۴ بخش طبق دوم این ساختمان به عنوان دفتر اصلی دانشکده مهندسی در نظر گرفته شده بود. دفتر کار سه همکار دیگر من نیز در ساختمان مرکزی مدیریت دانشگاه قرار داشت. در آن زمان ما بودجه مشخصی نیز نداشتیم و دکتر جامعی با هر درخواست خریدی که مربوط به تجهیز دانشکده مهندسی بود، فوراً موافقت می‌نمود. اما بودجه درخواست شده که نیاز به تایید وزارت علوم داشت، بودجه چندین میلیون تومانی بود که به منظور احداث ساختمان دانشکده مهندسی، بخش اداری و آزمایشگاهی آن در نظر گرفته شده بود. در سال ۱۳۵۷ همزمان با آشفتگی اوضاع سیاسی کشور، تیم ۴ نفره ما نیز دچار مشکلاتی شد، دکتر فرهمند و دکتر استیونسون به دلیل مشکلات خانوادگی و دکتر خان به دلیل تمایل به بازگشت به انگلستان، همگی اهواز را ترک کردند. پس از مدتی جنگ آغاز شد و برخی از دانشگاه‌ها تعطیل شدند و برای حدود دو سال، زندگی با وجود نبود درآمد و عدم پس انداز کافی بسیار سخت شده بود. در آن زمان نامه‌ای به دکتر ولایتی وزیر امور خارجه نوشتم و با تشریح مشکلاتم تقاضا کردم علیرغم بسته بودن مرزها، با خروج من از کشور و رفتن من به کانادا برای ادامه فعالیت علمی‌ام موافقت نمایند که ایشان با خروج من موافقت نمودند و نهایتاً در سال ۱۳۶۱ به کانادا رفتم و توانستم در ادامه زندگی نیز به موفقیت‌های زیادی چه در کانادا و چه در آمریکا دست یابم.

مرور خاطرات جناب آقای دکتر نادران طحان نیز در تجسم وضعیت دانشکده مهندسی پس از انقلاب اسلامی و در دوران جنگ تحمیلی و پس از آن بسیار مفید است. در ادامه بخشی از صحبت های ایشان در این باره ذکر شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم. زمانی که انقلاب شد، متخصصان خارجی دانشکده را ترک کرده بودند. تعداد معدودی هیات علمی ایرانی دانشکده نیز تا پیش از شروع جنگ تحمیلی و قبل از آنکه من از دزفول به اهواز بیایم، در دانشکده حضور داشتند. اما زمانی که من و چند تن از اساتید در سال ۱۳۶۰ از شاخه شمالی دزفول به اهواز آمدیم، آن تعداد معدودی هیات علمی ایرانی نیز دانشکده را ترک کرده بودند. تا پیش از آن، با کمک متخصصان خارجی تجهیزاتی برای آزمایشگاه فیزیک، مکانیک، الکتریسته، آزمایشگاه مقاومت مصالح، آزمایشگاه مواد و آزمایشگاه دینامیک و ارتعاشات خریداری شده بود و تعدادی ماشین ابزار را نیز که برخی از آنها هنوز هم در کارگاه ها موجود هستند، تهیه نموده بودند. در آن زمان دانشکده مهندسی در ساختمانی قرار داشت که پیش از تاسیس دانشگاه در اختیار آموزش و پرورش و تحت عنوان انستیتو کشاورزی بود و نیروهای فوق دیپلم کشاورزی را آموزش می داد. این ساختمان قدیمی که بین دانشکده دامپزشکی و بیمارستان گلستان بود به دلیل قرار گرفتن در محوطه دانشگاه از سوی آموزش پرورش تخلیه و دانشکده مهندسی موقتاً آنجا دایر شده بود. اما زمین اصلی که برای احداث دانشکده مهندسی در نظر گرفته شده بود در محلی قرار گرفته بود که اکنون دانشکده ریاضی و دانشکده ادبیات در آن ساخته شده اند. بخاطر دارم زمانی که به اهواز آماده بوم تابلوی تاسیس این دانشکده با نام دانشکده تکنولوژی صنایع هنوز آنجا بود. در دی ماه ۱۳۵۸ زمانی که دکتر عطالله قبادیان مسئول راه اندازی شاخه شمالی دزفول شده بود، من و حدود ۱۰ نفر دیگر برای شاخه شمالی استخدام شدیم، هرچند اوایل سال ۱۳۵۹ مصادف با تعطیلی دانشگاه ها شد. در دانشکده مهندسی اهواز نیز در نیمسال دوم سال ۱۳۵۸ تعدادی از دانشجویان دانشکده علوم را برای ادامه تحصیل در دانشکده مهندسی می پذیرند که متأسفانه همان ترم آغازین، دانشگاه تعطیل شد و در شهریور سال ۱۳۵۹ نیز که جنگ شد و همان تعداد محدود هیات علمی نیز اکثراً از دانشکده رفتند و سال ۱۳۶۰ از من و چند نفر دیگر از دوستان خواسته شد که از دزفول به دانشکده مهندسی اهواز بیایم. دانشکده مهندسی با سه گروه برق، مکانیک و عمران تاسیس شده بود. ولی مشکل اصلی تعداد کم هیات علمی بود. من، آقای دکتر حیدری نژاد، آقای دکتر سامانی، آقای دکتر رزاز و مرحوم مهندس مصطفوی از دزفول آمده بودیم و دو نفر از آقایان مهندس امجد و نیز مهندس قاضی از نیروهای قبلی دانشکده بودند که همگی در همان ساختمان قدیمی مستقر شده بودیم. بعضی از تجهیزات مانند ماشین های ابزار و یا تجهیزات آزمایشگاه های مقاومت مصالح، مواد و فیزیک در زمان ما مجدداً مورد استفاده قرار گرفتند. در سال ۶۲ که اولین کنکور بعد از تعطیلی دانشگاه ها برگزار شد، علیرغم اعلام ظرفیت از سوی ما، چون تعداد هیات علمی کمی داشتیم، دانشجوی جدیدی به دانشکده تعلق نگرفت. در واقع بعد از تعطیلی دانشگاه، بسیاری از اعضای هیات علمی از دانشکده ها رفتند و در نتیجه بسیاری از گروه ها بدون تعداد کافی هیات علمی ماندند به گونه ای که برای اداره گروه ها بعد از بازگشایی دانشگاه ها مشکلات زیادی وجود داشت. حتی به دلیل تعداد کم هیات علمی، نمایندگان وزارتخانه اصرار به بسته شدن دانشکده مهندسی داشتند. برای آنکه مقامات وزارت علوم را متقاعد کنیم که وجود دانشکده مهندسی ضروری است ناچار شدیم فهرستی از تمام تجهیزات موجود و امکانات دانشگاه را به کمیته هایی که در ستاد انقلاب فرهنگی مستقر بودند، ارائه دهیم. همچنین برای آنکه نیاز استان را به فارغ التحصیلان دانشکده نشان دهیم به بسیاری از مراکز و موسسات صنعتی منطقه مراجعه کردم و آماری را جمع آوری کردم که نشان می داد در شرایط موجود برای فعالیت معمولی این مراکز (اگر جنگ باعث تعطیلی آنها نمی شد) حدود ۴۰۰ نفر مهندس در رشته های برق، مکانیک و عمران مورد نیاز بود. این آمار برای

اثبات حرفمان کمک شایانی کرد زیرا بعضی از افراد کمیته مورد اشاره، می گفتند که دانشکده نفت آبادان وجود دارد بنابراین نیازی به فعالیت دانشکده مهندسی نیست. همراه با مرحوم دکتر شیبانی با انبوه مدارک مربوط به تجهیزات و آمار با اتوبوس به تهران رفتیم. ساعت ۵ صبح یک روز سرد زمستانی جلوی ستاد انقلاب فرهنگی در خیابان فلسطین (تقاطع جمهوری اسلامی) رسیدیم و تا ساعت ۸,۳۰ صبح که درب ساختمان را باز کردند در سرما لرزیدیم و جایی برای گرم کردن خودمان پیدا نمی کردیم. نهایتاً برای بازگشایی دانشگاه ها که تقریباً سه سال طول کشید، وزرات علوم مدیریتی به نام مدیریت جهاد دانشگاهی را متشکل از تعدادی عضو هیات علمی و نیز دانشجویان تاسیس کرد و به من هم پیشنهاد دادند که در دانشگاه مسئولیتی بپذیریم و معاونت آموزشی دانشگاه را به من سپردند. در آن زمان ماموریت داشتیم که کار بازگشایی را برای تمام رشته ها انجام بدهیم. لازم به ذکر است که تا سال ۱۳۶۵ دانشگاه علوم پزشکی و دانشگاه شهید چمران مدیریت یکی داشتند و بیش از ۹۰ گروه آموزشی مختلف در دانشگاه وجود داشت. بسیاری از ساختمانهای دانشگاه مانند ساختمان قبلی و فعلی دانشکده مهندسی به دلیل وضعیت جنگی، در آن زمان در اختیار نیروهای بسیج و سپاه بودند. یادم می آید یک روز رئیس دانشگاه (آقای مهندس نجفی) برای سرکشی به ساختمان قدیم دانشکده یا تربیت بدنی که در اختیار بسیج بود، مراجعه کرده بود. نگرهبان ساختمان جلوی او را گرفت و گفت اجازه ندارید وارد شوید. بلاخره با وساطت افراد دیگر موضوع با مسالمت حل می شود. اما این خاطره را از این جهت بیان کردم تا بدانید که فضای آن زمان برای حضور در دانشگاه چقدر حساس بود و با این حال تصمیم مسئولان دانشگاه بر این بود که بازگشایی دانشگاه تماماً و خصوصاً دانشکده مهندسی انجام شود. البته برخی دیگر از دانشکده ها مثل دانشکده های علوم و کشاورزی به طور کامل در اختیار دانشگاه بودند. در آن زمان بعضی از همکاران جهت فعالیت بین جهاد دانشگاهی و سپاه تقسیم شدند. من ترجیح دادم تا به عنوان عضو کمیته فنی جهاد دانشگاهی در دانشگاه باشم تا بتوانم بعد از بازگشایی دانشگاه ها با کمک همکاران همچنان دانشکده مهندسی را پابرجا نگه داریم. در نهایت پذیرفته شد که من به عنوان عضو فنی کمیته جهاد دانشگاهی کارهای دانشکده را پیگیری نمایم. در اثر این پیگیریها اولین دانشجویانی که از طریق کنکور سراسری وارد دانشکده شدند گمان می کنم سال ۶۲ یا ۶۳ بود، هرچند قبل از آن نیز همانطور که قبلاً گفتم گروهی از دانشجویان دانشکده علوم پذیرفته شده بودند. هرچند هنوز از وزارتخانه فشار می آوردند که دانشکده مهندسی و خصوصاً گروه مکانیک تعطیل شود، زیرا دانشکده نفت فعال بود و به این دلیل وزارتخانه نیازی به وجود گروه مکانیک در دانشکده مهندسی نمی دید که خوشبختانه با تلاش دوستان توانستیم نهایتاً مجوز حداقل یک رشته مکانیک را بگیریم و رشته های عمران و برق هم ماندند و الحمدالله با یک حداقلی توانستیم ادامه دهیم.

بعد از بازگشایی دانشگاه ها، کم کم نیروهای نظامی مستقر در دانشگاه خارج شدند و ساختمان ها را تحویل دادند ولی همچنان مشکل کمبود هیات علمی از طرفی و نیز کمبود فضای آموزشی مناسب وجود داشت. در هر صورت دانشجویان آمدند و کلاس ها هم علیرغم وضعیت جنگی دایر شد. هر زمان حمله ای از سوی دشمن می شد کلیه بیمارستانها و گروه های پزشکی ما آماده خدمت رسانی بودند. یکبار دشمن بمبارانی در نزدیکی کتابخانه مرکزی فعلی انجام داد اما خوشبختانه به ساختمان دانشکده مهندسی فعلی آسیبی نرسید. در کل دانشگاه شهید چمران همواره در تیررس دشمن بود. در اوایل جنگ که نیروهای دشمن در نزدیکی گروه ملی فولاد رسیده بودند، با خمپاره دانشگاه را هدف قرار می دادند که آثار آن هنوز هم در ساختمان مرکزی و در ساختمان سابق دانشکده ادبیات در فلکه سه گوش وجود دارد. بهرحال همه تلاش می کردند که دانشگاه دایر بماند تا دشمن را که چشم طمع به خاک ما داشت و درجه حرارت اهواز و دزفول را در اخبارش اعلام می کرد، مایوس کنند. در وزارتخانه نیز جلساتی تشکیل شده بود و تاکید می شد که دانشگاه شهید چمران به هر نحو باید

فعال بماند چون از لحاظ روحی برای مردم اهمیت دارد. ما هم هر کاری از دستمان برآمد انجام می دادیم و با کمک و همکاری و همدلی همه دوستان و همکاران، دانشکده مهندسی علیرغم آنکه ضوابط موردنظر وزارتخانه را نداشت، همچنان سرپا و فعال نگه داشته شد.

با توجه به آنکه ساختمان فعلی دانشکده مهندسی در سال ۱۳۶۹ به بهره برداری رسید، پرسشی نیز درباره این ساختمان و نحوه بازگشایی آن مطرح کردیم که پاسخ جناب آقای دکتر نادران طحان در ادامه ذکر شده است:

ساختمان فعلی دانشکده مهندسی و نیز کتابخانه مرکزی از زمان قبل از انقلاب نیمه کاره رها شده بودند. در آن زمان از زیر ساختمان نیمه کاره دانشکده مهندسی فاضلاب مناطق اطراف عبور می کرد و در رودخانه تخلیه می شد که حالت بسیار نامناسبی ایجاد کرده بود و ظاهراً صاحبان اصلی ساختمان که گروه ادبیات بودند، تمایلی به بهره برداری و تکمیل دانشکده نداشتند. کتابخانه مرکزی نیز محل استقرار نیروهای لشکر نجف اشرف بود. همکاران ما در دانشکده مهندسی پیشنهاد دادند که اگر موافقت شود ما ساختمان را تکمیل کنیم و دانشکده مهندسی در آن مستقر شود. هرچند در طرح اولیه قرار بود این ساختمان، به دانشکده ادبیات اختصاص یابد. چون در هیات رئیسه دانشگاه بودم، این مساله را به عنوان پیشنهادی مطرح کردم که مسئولیت تکمیل این ساختمان را برعهده بگیریم و آن را به دانشکده مهندسی اختصاص دهیم. بعد از نظرخواهی از رئیس دانشکده ادبیات و موافقت ایشان، نهایتاً صورت جلسه شد که این ساختمان به دانشکده مهندسی اختصاص یابد و دوستان ما هم همه بسیج شدند و روی کارهای ساختمانی، تاسیساتی، برقی کار کردند و در دفتر فنی دانشگاه در این مورد بحث شد و با همکاری چند پیمانکار، تکمیل ساختمان و تاسیس کارگاه ها آغاز شد، در حالیکه از قبل در نقشه دانشکده مهندسی این کارگاه ها در نظر گرفته نشده بودند. ۶ سوله کارگاهی ساخته شد که ۴ تا از آنها مربوط به گروه مکانیک، یکی مربوط به گروه برق و یکی نیز مربوط به گروه عمران بود. البته در حال حاضر یکی از ۴ سوله مکانیک به عنوان کارگاه ریخته گری، عملیات حرارتی و قالب سازی به گروه متالورژی اختصاص یافته است. من از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۸ برای ادامه تحصیل به انگلستان رفته بودم، ولی همچنان کار تکمیل دانشکده مهندسی ادامه داشت و بسیاری از کارها طی این سه سال انجام شده بود و تمام دوستان و همکاران زحمت زیادی کشیده بودند، فاضلاب را منحرف کرده بودند و محوطه را تمیز نموده بودند. سال ۱۳۶۹ که ریاست دانشگاه را برعهده گرفتیم، از رئیس وقت دانشکده خواهش کردم که به ساختمان در حال تکمیل دانشکده مهندسی که هنوز کل کارهای آن خصوصاً محوطه سازی انجام نشده بود، نقل مکان کنند اما از سوی ایشان مخالفت شد که تا کارهای ساختمانی تکمیل نشود، به این دانشکده منتقل نمی شویم. دلیل اصرار من این بود که بعضی نهادها برای استقرار خود، به گرفتن ساختمان تکمیل شده‌ای مثل دانشکده مهندسی علاقه داشتند. در صورت موافقت با یکی از این درخواست ها، کل زحمات دوستان و همکاران برای تکمیل این دانشکده، در نهایت به هدف اصلی که اختصاص ساختمان جدیدی برای دانشکده مهندسی بود، نمی انجامید. از این رو به صورت فوری دستور اسباب کشی صادر شد و کمی هم دلخوری پیش آمد. آن موقع هنوز محوطه اطراف دانشکده خاکی بود ولی به دلایلی که ذکر شد می-خواستیم سریع تر دانشکده مهندسی جدید بهره برداری شود و اساتید و دانشجویان حضور یابند تا ان شاء الله بقیه مشکلات هم به مرور حل شود. افتتاح ساختمان در سال ۱۳۶۹ انجام شد و خبر آن در ماهنامه خبری دانشگاه شماره ۱۵ سال دوم درج شده است.

براساس گزارش مندرج در ماهنامه خبری دانشگاه، در ۲۱ بهمن ماه ۱۳۶۹ با حضور جناب آقای دکتر ریاضی معاون آموزشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی و هیات همراه و همچنین اعضای هیات رئیسه و شورای دانشگاه، جمعی از اساتید و دانشجویان و نیز شخصیت ها و مسئولین استان و مدیران صنایع بهره برداری از ساختمان جدید دانشکده مهندسی انجام شد. در این زمان جناب آقای دکتر نادران طحان، ریاست دانشگاه شهید چمران را بر عهده داشتند و ریاست دانشکده مهندسی نیز برعهده جناب آقای دکتر سعیدیان بود.

صحبت پایانی جناب آقای دکتر نادران طحان

زمانی که به سالهای گذشته نگاه می کنم که با چه مشکلاتی درگیر بودیم و گاهی در پاسخ به سؤال دانشجویان که می پرسیدند ترم دیگر چه دروسی ارائه می شود، ما مشکل ارائه درس به دلیل کمبود استاد داشتیم و تلاش هایی که شد و افراد از جاهای دور و نزدیک آمدند و از تمام توان مایه گذاشتند و کار کردند، می بینیم که همه مشکلات در سایه تلاش و کوشش قابل حل هستند. در هر صورت، آنچه امروز وجود دارد، یادگاری است از تلاش و کوشش عزیزانی که بسیاری از ایشان هنوز هم در دانشکده مهندسی حضور موثر و فعال دارند.